

عنوان درس

آزاد اندیشی

ویژہ جوان

ارائہ محتوا جهت استفادہ
مربیان، ائمہ جماعت و والدین محترم
www.SalehinZn.ir



فهرست

۳	مقدمه.....
۴	در مجموع
۵	نکته جالب توجه این جاست
۶	اما منظور از آزاداندیشی چیست؟
۷	«آزاد اندیشی» محور تمقق جنبش نهم افزاری
۱۸	گستره آزاد اندیشی علمی
۱۸	آزاد اندیشی در دانشگاهها
۱۹	آزاداندیشی در حوزههای علمیه
۲۱	پی نوشتها
۲۳	منابع



مقدمه

"آزاداندیشی" یکی از نیازهای امروز جامعه ما به‌ویژه در حوزه و دانشگاه است که با تأکید مقام معظم رهبری، نمود فکری و عملی یافت. اهمیت این موضوع تا آن‌جاست که ایشان در ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه در چهارچوب سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، آن را در زمره سرفصل‌های فرهنگی برنامه قرار داده و با عنوان "تحول و ارتقای علوم انسانی، با تقویت جایگاه و منزلت این علوم، جذب افراد مستعد و با انگیزه، اصلاح و بازنگری در متون و برنامه‌ها و روش‌های آموزشی، ارتقای کمی و کیفی مراکز و فعالیت‌های پژوهشی و ترویج نظریه پردازی، نقد و آزاداندیشی" مطرح ساختند. همچنین در بیانات خود در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی در نوروز امسال هم فرمودند: "یکی از مسائل مهم که همت مضاعف و کار مضاعف می‌طلبد، مسئله تولید فکر است؛ کتابخوانی، افزایش معلومات عمومی در زمینه‌های گوناگون.

این کرسی‌های آزاداندیشی که ما عرض کردیم، پیشنهاد کردیم در دانشگاه‌ها و در حوزه‌ها به راه بیفتد، می‌تواند یک جریان سیال فکری بسیار باارزشی را در جامعه به راه بیندازد. "عده‌ای می‌پندارند که دغدغه‌های رهبری که در قالب شعار و نامگذاری سال و یا تأکیدات ویژه مطرح می‌شود، موضوعاتی عادی است که کم‌کم، مغفول و مشمول زمان می‌شود. ایشان خود درباره اهمیت موضوعات مذکور در دیدار ده‌ها هزار نفر از زائران و مجاوران حرم رضوی (۱۳۸۴/۱/۰۱) می‌فرمایند: "این که ما هر سالی را به نامی و با شعاری موسوم می‌کنیم و سال را با این نام و با این شعار آغاز می‌کنیم، صرفاً یک عمل تشریفاتی نیست. البته اسم‌ها مهم نیست؛ مهم مسماست؛ لیکن این نامگذاری‌ها به ما و ملت و مسئولان نشان می‌دهد که چه می‌خواهیم و دنبال چه هستیم یا باید به دنبال چه باشیم.

اگر نهضت آزاداندیشی مطرح می‌شود، برای این است که همه مسئولان و همه احاد ملت احساس کنند که در این جهت مسئولیت دارند. کشور به این شعارها نیاز دارد. البته می‌دانیم که بسیاری از این شعارها در سال‌های خود به‌طور کامل تحقق پیدا نکرده است؛ لیکن کارهای زیادی هم صورت گرفته است.

در مجموع:

موضوع "آزاداندیشی" همواره یکی از مؤلفه‌های اندیشه رهبری بوده است؛ تا آن‌جا که ایشان در دیدار با جمعی از اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌های سراسر کشور (۲۴/۱۱/۱۳۷۹) در تعریفی که از دانشجوی بسیجی می‌دهند، جوانی، طالب علم بودن، آزاداندیشی، آرمان‌گرایی و در صحنه بودن را از ویژگی‌های ممتاز قشر دانشجو بیان می‌کنند.

اما طرح این موضوع به‌عنوان مسئله روز جامعه و دانشگاه و تشریح آن برای اولین بار از سوی مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای انجمن اهل قلم (۰۸/۱۱/۱۳۸۱) صورت گرفت. در این دیدار، ایشان با اشاره به نقش فرهنگ در جامعه، تصریح کردند: "تنها راه گسترش فرهنگ و تولید علم و اندیشه در کشور، ایجاد فضای نقادی علمی در پرتو آزاداندیشی حقیقی در دانشگاه‌ها و حوزه‌ها است. آزاداندیشی در جامعه، نه به‌معنای تصور تلاش برای ایجاد زمینه به‌منظور حمله به بنیان‌ها و ارزش‌ها و نه به‌معنای لزوم حمله به بنیان‌ها و ارزش‌ها است، بلکه این دو تصور، ظلم به آزاداندیشی می‌باشد."

رهبر معظم انقلاب اسلامی با تأکید بر این که جمهوری اسلامی ایران، آزاداندیشی به معنای واقعی کلمه را وارد جامعه کرد، افزودند: "البته آزاداندیشی یک ادب و فرهنگ خاص دارد." ایشان آزاداندیشی را یک شعار مظلوم در جامعه دانستند و

با اشاره به این که عده‌ای با شعار آزاداندیشی، اصول مقدس حقیقی و ارزش‌ها را مورد حمله و تحقیر قرار می‌دهند و عده‌ای نیز در مقابل آن با هرگونه نوآوری مخالفت می‌کنند، خاطرنشان کردند: "در عرصه فرهنگ باید نقطه تعادل میان مرزشکنی و تحجر، به‌عنوان آزاداندیشی صحیح مشخص و ترویج شود؛ همان‌گونه که در عرصه سیاسی نیز باید از افراط و تفریط یعنی هرج و مرج و دیکتاتوری اجتناب گردد."

نکته جالب توجه این جاست

که ایشان، آزاداندیشی را در مقابل تحجر قرار نمی‌دهند، بلکه آزاداندیشی را حد واسط تحجر و مرزشکنی می‌دانند (کما این که در دیدار اخیر خود با دانشجویان، تحجر و تجدد را دو روی یک سکه تصویر کردند). از طرف دیگر، ایشان با توجه به توطئه دشمنان دین‌گرایی که با تعریف بنیادگرایی، موج دین‌طلبی را مورد هجمه قرار می‌دهند، با تأکید بر وجود تفاوت میان تحجر و اصول‌گرایی (یا به تعبیر دشمنان خارجی، بنیادگرایی) افزودند: "اصول‌گرایی به‌معنای قبول اصولی مستدل و منطقی و پایبند بودن به آن اصول است، در حالی که تحجر به‌معنای حمایت جاهلانه از باورهای غیرمستدل می‌باشد. تحجر فقط در مسائل دینی وجود ندارد، بلکه تحجر سیاسی و جناحی حتی با ظاهر روشنفکری نیز همانند تحجر دینی دارای خطرات و آثار سوء فراوانی است."

اما منظور از آزاداندیشی چیست؟

رهبر معظم انقلاب، در دیدار دانشجویی خود در ۱۳۸۲/۰۸/۱۵، آزادانه فکر کردن، آزادانه تصمیم گرفتن و دنباله‌روی نکردن از تلقین بلندگوهای تبلیغاتی غرب را جلوه‌های آزاداندیشی برشمردند و افزودند: "آزاداندیشی با این معنای وسیع و ژرف، عرصه‌های مختلف علمی، معرفتی، سیاسی و اجتماعی را شامل می‌شود."

ایشان می‌فرمایند: "آزادی‌خواهی نباید فقط منحصر در معنای محدود سیاسی تلقی و معنا شود. در آزادی‌های سیاسی، آزادی‌های اجتماعی از بخش‌های مهم آزادی‌های بشری است. ما خودمان کتک‌خورده و زندان رفته این آزادی‌ها هستیم و معنی آزادی سیاسی را می‌فهمیم؛ اما می‌گوییم کسانی که با شعار آزادی سیاسی، دنبال تحقق شعارهای ضدآزادی‌ترین مجموعه‌های سیاسی دنیا - هیئت حاکمه آمریکا؛ فاشیست‌های ظاهرا دموکرات موجود در دنیا که از هر فاشیستی، فاشیست‌ترند؛ مجموعه‌ای متعصب و نو محافظه‌کار که تازه وارد میدان سیاست شده‌اند - درباره ایران هستند، این‌ها آزادی‌خواهند؟ این، آزادی‌خواهی و دنبال آزادی سیاسی رفتن است؟ آن شعار آزادی‌خواهی که معنا و مآل و خلاصه‌اش این باشد که آمریکا حکومت دست‌نشانده خودش را بر این کشور مسلط کند، آن شعار آزادی‌خواهی نیست؛ ولو صد بزرگ و رنگ و روغن آزادی‌خواهی هم به آن بزنند؛ این شعار، دروغین و شعار اسارت و خیانت است."

با منطقی که من می‌گویم، آزاداندیشی را عمیق‌تر معنا کنیم تا این‌جا هم اثر خودش را ببخشد. آزاداندیشی یعنی آزادانه فکر کردن؛ آزادانه تصمیم گرفتن؛ ترجمه‌ای، تقلیدی و بر اثر تلقین دنبال بلندگوهای تبلیغاتی غرب حرکت نکردن. لذا شامل علم، معرفت، مشی سیاسی، شعارها و واژه‌ها و خواسته‌های متعارف -



سیاسی و اجتماعی هم می‌شود. اگر امروز غرب می‌گوید دموکراسی، ما باید فکر کنیم - آزادفکری یعنی این - ببینیم آیا همین‌که او می‌گوید درست است و دموکراسی به صورت مطلق ارزش است، یا نه قابل‌خدشه است؟ یکی از کارهای بسیار مهمی که مورد اشاره بعضی از دوستان هم بود، این است که شما می‌توانید در سه زمینه علم، عدالت‌خواهی و آزاداندیشی کار تئوریک کنید. این کار تئوریک را می‌توانید در زمینه جنبش تولید علم یا در زمینه عدالت‌خواهی انجام دهید."

«آزاد اندیشی» محور تحقق جنبش نرم افزاری

«آزاد اندیشی» و «آزادی اندیشه» دو مفهومی هستند که تحقق جنبش نرم افزاری بدون اعتنا و اتکای به آنها امکانپذیر نخواهد بود. این دو مفهوم هر یک به نوعی دارای صبغه‌های توأمان فردی و اجتماعی هستند، اما به نظر میرسد، «آزاد اندیشی» به عنوان یک خصلت بنیادین در منظومه خصایل خاص انسانی، بیش از بار اجتماعی دارای صبغه و زمینه فردی است و بالعکس، «آزادی اندیشه» علیرغم سویه‌های فردی بارز، دارای تبار غالبتر اجتماعی و مدنی است. از سویی دیگر می‌توان وجود مولفه‌ها و الزامات آزادی اندیشه در هر جامعه را از شروط و مقومات آزاد اندیشی در میان آحاد گوناگون آن جامعه دانست. به این ترتیب ابعاد اجتماعی آزادی اندیشه و الزامات فلسفی، سیاسی و حقوقی آن را می‌توان به نوعی زیربنای رواج آزاد اندیشی در میان سطوح گوناگون جامعه دانست.

آزاد اندیشی و آزادی اندیشه هر دو در مقوله‌ای به نام آزادی مشترکند، آزادی نیز به نوبه خود دارای تبار مفهومی و معنایی خطیر و پر مناقشه‌ای بوده است و به تبع آن این مناقشات و ابهام‌ها به مفاهیم مرکب از آن نیز سرایت نموده است. بگفته منتسکیو: «هیچ کلمه‌ای به اندازه کلمه آزادی اذهان را متوجه نساخته و

به هیچ کلمه ای معانی مختلف مانند آزادی داده نشده است» (۱) در اندیشه غرب که بیشتر تحت سیطره دیدگاههای منسوب به لیبرالیسم است، آزادی فی نفسه یک هدف و حتی بالاترین هدف است: «آزادی وسیله رسیدن به یک هدف متعالیتر نیست بلکه فی نفسه عالیترین هدف است». (۲) و در واقع این واژه معمولا به صورت «آزادی از چیزی» تعریف می‌شود و نه «آزادی برای منظوری» (۳) در این دیدگاه: «انسان آزاد کسی است که اگر میل به انجام کاری داشته باشد و ذکاوت انجام آن را داشته باشد با مانع مواجه نشود». (۴) از سوی دیگر در فرهنگ فارسی، اندیشه به معنای «تلاش ذهنی برای شناخت» به کار رفته است (۵). و آزادی اندیشه نیز به معنای «آزادی انسان در به کارگیری روش‌های عقلانی منطقی در جهت کشف حقیقت، بدون آن‌که دیگران، او را به گام برداشتن در راه‌های معینی ملزم سازند که به نتایج از پیش تعیین شده (درست یا نادرست) بینجامد». (۶).

این نوشتار فرصت و جایگاه مناسبی برای پرداختن به این مفاهیم و مناقشات مربوط به آنها نیست، بلکه هدف ما صرفا طرح موضوعی در این خصوص است تا باب ایده‌های جدید در مورد جنبش نرم افزاری گشوده شود. در این نوشتار می‌کوشیم تا برخی محورها و مولفه‌های مرتبط با آزاد اندیشی و آزادی اندیشه و پیوند آنها با جنبش نرم افزاری را با رجوع و تاکید بیشتر بر منابع اسلامی و مذهبی به اختصار شرح دهیم. در قرآن کریم به عنوان منبع اصلی دانش و معرفت اسلامی به معنای اعم و اخص آن، شاهد اهتمام به مقوله آزادی انسان به صور مختلف هستیم. به عنوان نمونه به آیات زیر می‌توان به عنوان گزیده ای از آیات ناظر بر آزادی انسان به خصوص آزادی اندیشه، از دیدگاه قرآن کریم اشاره کرد: «تا آنها که هلاک (و گمراه) می‌شوند، از روی دلیل روشن باشد و آنها هم -

که زنده می شوند (و هدایت می یابند) از روی دلیل باشد.» (۷). «جز مردان، زنان و کودکان ناتوانی که نمی توانند چاره جویی کنند و راهی را بیابند، امید است که خداوند ایشان را عفو کند، خداوند بسیار بخشنایده و آمرزنده است.» (۸) «آیا بر سلوک پدرانان رفتار می کنید) هرچند مواجه شوید با آنچه بهتر از چیزی باشد که پدرانان را بر آن دریافتید؟» (۹) «خداوند در برابر مشرکان می فرماید که اگر در ادعای خود راستگو هستید برهان و حجت خود را ارائه کنید.» (۱۰) طبق این آیات، می توان فهمید روش اسلام در دعوت مردم، اقامه برهان و در نتیجه درخواست از مردم به تفکر و اندیشه است.

براساس این آیات، انسان باید حیات خود خصوصا زندگی دینی خویش را براساس اندیشه و تفکر بنا نهد و برای عقاید و اعمالش، دلیل و حجت به دست بیاورد و برای سلوک عقیدتی و عملی خود برهان داشته باشد. همچنین براساس آیات ۱۱ بقره، ۲۴ انبیاء و ۷۵ قصص درخواست دلیل و توضیح خواستن، نشانگر اهمیت دادن به تفکر و دعوت به اندیشیدن است. آیه ۱۵ سوره اسراء، آیه ۴۷ سوره یونس و آیه ۲۴ سوره فاطر که همگی هدف از ارسال پیامبران را انذار و تبشیر و دعوت مردم و اقامه حجت بیان می کنند و همگی بر اهمیت اندیشه و آزادی اندیشه به منظور یافتن حقیقت دلالت می نمایند. آیه ۱۸ سوره زمر، دلالت می کند که هر چند استماع سخنان و تفکر درباره آنها نیکو و ستوده است اما در مقام عمل و پیروی باید تابع شایسته ترین سخنان شد. در آیات ۸ سوره روم، ۴۲ سوره زمر و ۶۲۴ سوره یونس خداوند به اندیشیدن در مورد آفرینش انسان، حیات و ممات و حقیقت دنیا سفارش کرده و در آیات ۶ سوره فتح، ۱۲ سوره حجرات و ۱۰۳-۱۰۵ سوره کهف از گمانه زنی و ظاهربینی نهی کرده است. قرآن کسانی را که از ظنون پیروی می کنند مورد مذمت قرار داده است. خداوند در آیه ۳۶ سوره

یونس می‌فرماید: گمان، هرگز انسان را از حق بی‌نیاز نمی‌سازد بنابراین از دیدگاه قرآن، آزادی در پیروی از ظنون معنا ندارد زیرا گمان چه بسا انسان را به حق برساند و مایه انحراف از آن گردد. البته محترم نشمردن نتایج ظنی از دیدگاه قرآن در ارتباط با فرد و جامعه متفاوت است. خداوند در آیه ۲۹ سوره انفال می‌فرماید: «اگر از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید برای شما وسیله ای برای جدا ساختن حق از باطل قرار می‌دهد (روشن بینی خاصی که در پرتو آن حق را از باطل خواهید شناخت). تاثیر هواهای نفسانی بر اندیشه، موجب شده تا قرآن انسان را از پیروی هواها بازدارد و کنترل آنها را توصیه کند. قرآن در آیه ۲۳ سوره نجم می‌فرماید: «آنان (مشرکان) فقط از گمان‌های بی‌اساس و هواهای نفسانی پیروی می‌کنند درحالی که هدایت از سوی پروردگارشان برای آنها آمده است». منطق قرآن، این است که انسان‌ها با درک عمیق و تأمل کافی، قول احسن (بهترین سخن) را برگزینند و چنین کسانی از بشارت الهی برخوردارند: «مژده ده بندگان مرا: آنان که سخنان را می‌شنوند و از بهترین آنها پیروی می‌کنند، آنان‌اند که خداوند، هدایتشان کرده است و آنان صاحبان خردند» (۱۱) ذات مقدس الهی، نزول قرآن را برای هدف تعقل و تدبیر معرفی می‌نماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (۱۲) و در مقابل افرادی که تدبیر ندارند را توبیخ می‌کند: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (۱۳) اسلام، آزادی را والاترین جلوه حرکت مقام انسان و نقطه قوت و امتیاز او می‌شناسد: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (۱۴). از دیدگاه قرآن کریم و در معرفی مقام و منزلت انسان و از وظائف مهم پیامبر این است که بارهای سنگین را از دوش مردم بردارد و زنجیرهای اسارت و بدبختی انسانها را در هم بشکند: «و يَضَعُ عَنْهُمْ أَسْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (۱۵). امیرمومنان حضرت علی (علیه السلام) نیز به عنوان یکی از مبانی عینی و عملی -

معارف شیعه در زمینه آزادی بشر می فرمایند: «و لا تکن عبد غیرک و قد جعلک الله حرا» (بنده و برده هیچ کس مباش که خداوند متعال تو را آزاد آفریده است). (۱۶)

کلام دیگر از حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) است که می فرماید: «ان الحر حر علی جمیع احواله» (آزاده در همه حالات آزاد است). (۱۷)

امام خمینی (ره) نیز به عنوان بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی در دیدگاهی منبعث از احکام و معارف ناب اسلامی اعلام می کنند: «آزادی یک امانت الهی است که خداوند نصیب ما کرد». (۱۸) حضرت امام خمینی با تعبیر و عبارت دیگری جایگاه آزادی در فرهنگ و تفکر اسلامی را اینگونه می نمایاند: «یکی از بنیادهای اسلام آزادی است» (۱۹) همچنین در جایی دیگر می گویند: «انحطاط و سقوط بشر به علت سلب آزادی از او و تسلیم در برابر سایر انسانهاست. (۲۰) امام خمینی درباره اهمیت و ضرورت آزادی تفکر و اندیشه چنین نظر می دهند: «آزادی فکر این است که انسان در فکرش آزاد و بدون این که متمایل به یک طرف باشد فکر بکند. در مسائل علمی هم همین طور است. مسائل علمی را اگر چنانچه انسان آزاد فکر کند یک طور برداشت می کند اگر چنانچه ذهنش متوجه باشد انگل باشد نسبت به این قضیه یک جور دیگر فکر می کند یک جور دیگر برداشت می کند». (۲۱) امام خمینی در این باره اینگونه تصریح می نمایند: «در حکومت اسلامی همیشه باید باب اجتهاد باز باشد و طبیعت انقلاب و نظام همواره اقتضا می کند که نظرات اجتهادی - فقهی در زمینه های مختلف ولو مخالف با یکدیگر آزادانه عرضه شود و کسی توان و حق جلوگیری از آن را ندارد». (۲۲) و نیز اینکه: «با تبادل افکار و اندیشه های سازنده مسیر رقابت ها را از آلودگی و انحراف و افراط و تفریط باید پاک نمود. (۲۳)

با رجوع به آثار شهید مطهری به عنوان یکی از متفکرین بزرگ اسلامی و از نظریه پردازان اصلی انقلاب نیز به اندیشه های نابى درباره دیدگاه اسلام نسبت به آزادی بخصوص آزادی تفکر و اندیشه بر می خوریم که به برخی از آنها در اینجا اشاره می کنیم: «محدودیت هایی که امروز از نظر اجتماعی به وجود آمده در گذشته نبوده است مخصوصاً مسئله آزادی فکری. مقصودم این است که یکی از مواهب برای انسان این است که شرایط برایش فراهم باشد، ولی هیچ چیز برای او تحمیلی نباشد. گاهی فکر هم برای انسان تحمیلی است، ذوق هم تحمیلی است، عاطفه هم تحمیلی است و این، مصیبت تمدن جدید است.» (۲۴) «اسلام در حوزه اصول عقاید - که وظیفه هر فرد، به دست آوردن عقیده صحیح درباره آنهاست - تقلید و تعبد را کافی نمی داند؛ بلکه لازم می داند که هر فردی مستقلاً و آزادانه، درستی آن عقاید را به دست آورد» (۲۵) «اسلام، نه تنها آزادی تفکر را مهم می داند و به اندیشیدن، توصیه و تشویق می کند و آن را عبادت می شمرد، بلکه تفکر در برخی از مسائل را واجب و لازم می داند.» (۲۶) به تعبیر استاد مطهری: «آزادی تفکر ناشی از همان استعداد انسانی بشر است که می تواند در مسائل بیندیشد. این استعداد بشری حتماً باید آزاد باشد و تکامل بشر در گرو این آزادی است.»

(۲۷) به اعتقاد شهید مطهری: «وجه امتیاز اسلام با مذاهب دیگر مخصوصاً مسیحیت همین است که از نظر اسلام اصول عقاید جز از طریق تفکر و اجتهاد فکری جایز نیست، اما اصول دین مسیحی، ماورای عقل و فکر شناخته شده است» «و اجتهاد، مجتهدان نوعی حریت و آزادی فکری است.» (۲۸) «آزادی اجتماعی، آزادی انسان است از قید و اسارت افراد دیگر؛ ولی آزادی معنوی... در -

واقع، آزادی انسان است از قید و اسارت خودش.» (۲۹) به باور استاد مطهری، آزادی تفکر، مقدس ترین استعداد بشر و یکی از واجبات در اسلام است.

«تفکر، قوه ایست در انسان، ناشی از عقل داشتن. انسان چون موجود عاقلی است، موجود متفکری هم هست.» (۳۰) شهید مطهری معتقد است که فکر و عقل انسان باید آزاد باشد تا با نحله ها و مکاتب گوناگون آشنا شود. «انسان، جاهل به دنیا می آید و وظیفه دارد که عالم بشود. چگونه عالم بشود؟ با فکر... اسلام در مساله تفکر، نه تنها آزادی تفکر داده است بلکه یکی از واجبات در اسلام، تفکر است؛ یکی از عبادت ها در اسلام، تفکر است. مکرر شنیده اید احادیثی را که به این عبارت است... یک ساعت فکر کردن، از یک سال عبادت کردن، افضل است.» (۳۱) بنابراین، تفکر آزاد، محصول باور به مختار بودن انسان است. «اینکه می گوئیم بشر مختار و آزاد است به این معناست که عمل او از خواست و رضایت کامل او و تصویب قوه تمیز او سرچشمه می گیرد و هیچ عاملی او را برخلاف میل و رغبت او وادار نمی کند؛ نه قضا و قدر و نه عامل دیگر.» (۳۲) «در رژیم جمهوری اسلامی هیچ محدودیتی در افکار وجود ندارد و از به اصطلاح کانالیزه کردن اندیشه ها اثر نخواهد برد همه باید آزاد باشند که حاصل اندیشه ها و تفکرات اصلی خود را عرضه کنند.» (۳۳) شهید مطهری، آنچنان جایگاهی برای آزادی اندیشه قایل است که حتی بقای اسلام را محصول آزادی فکر و اندیشه می داند: «به دلیل همین آزادی ها بود که اسلام توانست باقی بماند. اگر در صدر اسلام در جواب کسی که می گفت من خدا را قبول ندارم. می گفتند بزنید و بکشید، امروز دیگر اسلامی وجود نداشت. اسلام به این دلیل باقی مانده که با شجاعت و صراحت با افکار مختلف مواجه شده است. در آینده هم اسلام فقط و فقط با مواجهه صریح شجاعانه با عقاید و افکار مختلف است که می تواند به -

حیات خود ادامه دهد و من به جوانان و طرفداران اسلام هشدار می‌دهم که خیال نکنند راه حفظ معتقدات اسلامی جلوگیری از ابراز عقیده‌ی دیگران است. از اسلام فقط با یک نیرو می‌شود پاسداری کرد و آن علم است و آزادی دادن به افکار مخالف و مواجهه صریح و روشن با آن‌ها.» (۳۴) به نظر شهید مطهری: «اگر به بهانه این که مردم قابل و لایق نیستند و خودشان نمی‌فهمند آزادی را از آن‌ها گرفت، این مردم تا ابد بی‌لیاقت می‌مانند.

مثلاً در انتخاب وکیل اگر بخواهند فردی را که از نظر آن‌ها شایسته است تحمل کنند این مردم تا قیامت مردمی نخواهند شد که رشد اجتماعی پیدا کنند. رشد مردم به این است که آزادشان بگذاریم ولو در آن آزادی ابتدا اشتباه هم بکنند.» (۳۵) شهید مطهری بین آزادی تفکر و اندیشه و آزادی عقیده تفاوت می‌گذارد: «در نظام اسلامی عقیده‌ای آزاد است که مبنایش تفکر باشد، عقایدی که بر مبنای وارثت، تقلیده‌ای آزاد است که مبنایش تفکر باشد، عقایدی که بر مبنای وارثت، تقلید و از روی جهالت و به دلیل فکر نکردن و تسلیم شدن در مقابل عوامل ضد فکر در ایران پیدا شده است این‌ها را اسلام به نام آزادی عقیده نمی‌پذیرد. چنین عقایدی یک سلسله زنجیرهای اعتیادی و عرفی و تقلیدی است که به دست و پای فکر و روح انسان بسته می‌شود.» (۳۶) با این حال استاد شهید تأکید می‌کند: «آن چه اسلام از انسان می‌خواهد، ایمان است و ایمان اجبار بردار نیست. (۳۷) از سوی دیگر آزاد اندیشی و آزادی اندیشه با عنصر مهم و تاثیرگذار دیگری در جنبش نرم افزاری یعنی خلاقیت نیز پیوندی ناگسستنی دارد. در جهان امروز که دانش به مقوله‌ای عام و جهانشمول و در دسترس همگان بدل شده است آنچه می‌تواند وجه ممیز افراد و جوامع از لحاظ تولید علم و فناوری‌های جدید باشد عنصر خلاقیت و نوآوری است. متأسفانه در جامعه ما،

ت

علی رغم داشتن نیروهای مستعد و خلاق، امکان بهره برداری از توان فکری آنها آنچنان که باید و شاید وجود ندارد. علت اصلی این امر را شاید بتوان نامشخص بودن جایگاه خلاقیت و فقدان بستر رشد آن در جامعه کنونی مادانست. امروزه در جامعه رو به رشد و توسعه یافته توجه به این مسأله نقش حیاتی دارد؛ زیرا برای نایل شدن به پیشرفتهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی به افراد مستعد و خلاق نیازمند هستیم. (۳۸)

از سوی دیگر فرهنگ و تمدن انسانی همواره مدیون تفکر است و این عقیده که نیروی تفکر انسان است که او را از سایر موجودات متمایز می‌کند همواره مطرح بوده است. جان دیویی در کتاب معروف «چگونه فکر کنیم» جریان تفکر را شامل مراحل می‌داند که دو مرحله ابتدایی و انتهایی و پنج مرحله میانی را در بر می‌گیرد. مرحله اول یا ابتدایی مرحله شک و ابهام است و آن زمانی است که انسان با یک موقعیت پیچیده روبه رو شده و درصدد یافتن پاسخی برای مسأله و مشکل ایجاد شده است. مرحله انتهایی زمانی است که فرد از شک و ابهام در آمده و به نتیجه و جواب دست یافته است. برای رسیدن به این مرحله فرد باید مراحل دیگری را طی کند و از نگاه دیویی تفکر اساسی واقعی تنها با حل این مراحل ممکن است و آن مراحل عبارت است از: پیشنهاد، تعقل، فرضیه سازی، استدلال و کاربرد. (۳۹) مشاهده می‌شود که در تمامی این مراحل نقش خلاقیت و آزاد اندیشی بسیار بارز و برجسته است و اصولاً بدون آن امکان تفکر اصیل و منطقی و به تبع آن تولید علم وجود ندارد. به طور کلی عوامل خلاقیت را می‌توان به دو دسته فردی و محیطی (درونی و بیرونی) تقسیم نمود. تحقیقات نشان داده که جنبه‌های شخصی و فردی مطلوبی چون ویژگیهای شخصیتی متنوع، خود انگیزی، توانایی‌های شناختی خاص، تمایل به خطر کردن، تخصصی در رشته و -

تجارب متنوع در فرآیند خلاقیت مؤثرند، در نتایج پژوهشی وسیع، بعضی از عوامل محیطی خلّاق به این شرح اولویت بندی شده اند: آزادی، منابع کافی، وقت کافی، جو مناسب، طرح تحقیق مناسب و فشار (بعضی از فشارها می تواند محرک خلاقیت باشد). (۴۰)

مشاهده می شود که از نظر علمی داشتن محیطی آزاد (از کلیه جهات اندیشه ای و عملی) برای تفکر و اندیشه ورزی عنصری بنیادین و اولیه است. از جهت سلبی، موانع فراوانی آزاد اندیشی و آزادی اندیشه را می توانند مورد تهدید و آسیب قرار داده و به تبع آن روند تولید علم و افزایش و خلاقیت را با مشکل مواجه سازند. یکی از مهمترین این موانع بخصوص در جامعه ما آفت مهم «تجبر» است. تجبر یک ویژگی فرهنگی - اجتماعی است که کم و بیش در اشکال و قالبهای گوناگون شکل می گیرد. تعصب های جاهلانه تعلقات قبیله ای و ملی، عدم درک حقایق و سنت های حاکم بر حرکت جوامع از جمله عوامل شکل گیری و پایداری تجبرند. ولی مهم ترین عامل تجبر، عدم تفکیک بین اصول و پایه های ثابت و ضروری زندگی بشر با جنبه های متغیر و متحول آن است. (۴۱)

مقام معظم رهبری هنگام تبیین نو اندیشی به عنوان یکی از وظایف مهم دانشگاهها، تجبر را نیز به عنوان بلا و مانع بزرگ در مسیر رشد نو اندیشی مطرح نمودند: «مسأله تجبر فقط بالای محیطهای دینی و افکار دین نیست، در همه محیطها تجبر، ایستایی و پایبند بودن به جزمی گراییهایی که بر انسان تحمیل شده، بدون این که منطق درستی به دنبالش باشد، یک بلاست.» (۴۲) از سوی دیگر برخی ویژگیها و مخصایل خاص فرهنگی و اجتماعی دیگر نیز می تواند به عنوان موانع آزاد اندیشی و آزادی اندیشه، بر سر تحقق اهداف جنبش نرم افزاری به عنوان موانعی مهم مورد شناسایی و بررسی قرار گیرند. یکجانبه گری و عدم -

وجود مدارا و تسامح در محیط‌های علمی یکی از بهترین آفاتی است که روند آزاد اندیشی و مقوله آزادی اندیشه را با خطر جدی مواجه می‌کند. به عنوان یک اصل اثبات شده، علم و دانش در محیطی رشد می‌کند که امکان بحث آزادانه آرا و نظریات و به یک معنا امکان تضارب آرا به بهترین نحو مهیا باشد. حضرت علی (علیه السلام) در این خصوص به نکته ای مهم اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «اضربوا بعض الرأی ببعض يتولد منه الصواب، امخضوا مخض السقاء ينتج سدید الاراء.» (۴۳) به معنی آنکه رای و نظر درست تنها از آوردگاه بحث و تضارب آرا حاصل خواهد شد.

با توجه به آنچه ذکر شد تحقق جنبش نرم افزاری به عنوان نیاز اصلی جامعه امروز ما در جهت نیل به توسعه و تکامل، بیش از هر چیز نیازمند ایجاد بسترها و زمینه های مناسب است. یکی از مهمترین این زمینه ها و بسترها، رواج آزاد اندیشی و آزادی اندیشه در جامعه اسلامی به عنوان یک الزام دینی و عقلی است. اهتمام به آزاداندیشی در بعد فردی و بخصوص اجتماعی و مولفه ها و ضابطه های آن و نیز شناسایی موانع و آفات آزاداندیشی می تواند به عنوان یک هدف و راهکار اصولی، زمینه ای برای شکلگیری هر چه منسجمتر جنبش نرم افزاری در جامعه امروز ما باشد. سوق دادن تحقیقات نظری به سوی آزاد اندیشی و تربیت عملی اذهان فردی و اجتماعی (در قالب ساختارهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی) می‌تواند از جمله وظایف امروز همه ما در قبال رشد و توسعه جنبش نرم افزاری باشد.

گستره آزاد اندیشی علمی

آزاد اندیشی در دانشگاهها

مقام معظم رهبری در اردیبهشت ۱۳۸۲ در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه شهید بهشتی بار دیگر به این مسئله می‌پردازند: "جنبش آزاداندیشی که چند ماه قبل مطرح شد، اصرار بر مسئله اشتغال - که در دو سه سال اخیر در این زمینه خیلی تلاش شده است- و اصرار بر تقویت پول ملی، از شعارهایی است که ما در این چند سال روی آن‌ها تکیه کردیم و برای هر کدام حساب خاصی باز شد و به فضل الهی حرکت خاصی در دستگاه‌های مربوط به آن‌ها آغاز گردید. "نکته مهم این است که در منظومه فکری ایشان، عدالت‌خواهی، تولید علم و آزادی‌خواهی و آزاداندیشی، همگی در کنار هم و به یک اندازه مورد تأکید است. چنانچه در دیدار اعضای تشکل‌ها، کانون‌ها، نشریات و هیئت‌های مذهبی دانشجویی (۱۵/۰۸/۱۳۸۲) مطالبات جدی جوانان در مورد مسائلی نظیر عدالت‌خواهی، تولید علم و آزادی‌خواهی و آزاداندیشی را، پشتوانه‌ای مستحکم برای تعمیق و ماندگار شدن حرکات اصولی انقلاب و نظام و از جمله آرمان‌های دانشجویی برشمرده و افزودند: "آزادی‌خواهی نباید در معنای سیاسی، منحصر و محدود شود. البته آزادی‌های سیاسی و اجتماعی از بحث‌های مهم آزادی‌های بشری است، اما کسانی که با شعار آزادی سیاسی دنبال تحقق اهداف فاشیست‌های به‌ظاهر دموکراتیک حاکم بر آمریکا هستند، قطعاً دنبال آزادی و آزاداندیشی نیستند و با وجود این که شعارهای خود را رنگ و روغن آزادی‌خواهی می‌زنند اما شعار حقیقی آن‌ها، شعار اسارت و خیانت است. "

آزاداندیشی در حوزه‌های علمیه

مقام معظم رهبری، ضمن مقایسه وضعیت آزاداندیشی در دانشگاه و حوزه، محیط حوزه را محیط مناسب‌تری نسبت به محیط دانشگاه می‌داند: "محیط حوزه از این جهت بهتر از محیط دانشگاه است. علت این است که در حوزه، نقادی یکی از محورهای اصلی است. همه این بزرگان حوزه که شما ملاحظه می‌کنید - چه آن‌هایی که امروز هستند و چه بزرگترهایی که در نسل‌های گذشته ما بودند - اصلاً در همین محیط نقادی بزرگ شده‌اند. هیچ متکلمی و هیچ فیلسوف یا فقیهی از این‌که یک نظر مسلم فقهی یا اصولی یا کلامی قبل از خود را به کلی ابطال کند، ابایی ندارد و از این‌که کسی به او بگوید چرا ابطال کردی هم باکی ندارد؛ چون چنین چیزی اصلاً در حوزه گفته نمی‌شود. این سنت حوزه است که نظرات گذشتگان را مطرح کنند. شما ملاحظه کنید؛ امام رضوان‌الله علیه، آن وقت که در قم تشریف داشتند در درس اصول، نظرات مد روز را که نظرات مرحوم آیت‌الله نائینی بود، ذکر می‌کردند، بعد فیه اولاً، ثانیاً، ثالثاً، رابعاً و خامساً، اساس حرف را اصلاً به هم می‌ریختند. هیچ‌کس نمی‌گفت چرا. خوب؛ اگر کسی طرفدار آن نظریه بود، می‌رفت در درس خود یا در حاشیه‌ای که به تقریرات استاد می‌زد، می‌نوشت که من این حرف استاد را قبول ندارم... البته این کارها باید سازماندهی شود. ما باید این تجربیات ناشی از مباحثه و گفت‌وگوی سالم و محترمانه و شجاعانه را به صورت تجربه‌های انباشته‌ای درآوریم تا بتوانیم از آن‌ها استفاده کنیم و علم را بارور کنیم."



البته نباید پنداشت که مخاطبان کرسی‌های آزاداندیشی صرفاً دانشجویان و دانشگاهیان‌اند و این‌که ایشان از سیستم رایج در حوزه‌ها تمجید کرده‌اند، از بار سنگین مسئولیت حوزویان می‌کاهد، کما این‌که خود ایشان در دیدار جمعی از اساتید، فضلا، مبلغان و پژوهشگران حوزه‌های علمیه (۱۳۸۶/۰۹/۰۸)، بر اهتمام بیش از پیش به کرسی‌های آزاداندیشی علمی تأکید و می‌فرمایند: "چرا این کرسی‌های آزاداندیشی در قم تشکیل نمی‌شود؟ چه اشکالی دارد؟ حوزه‌های علمیه ما، همیشه مرکز و مهد آزاداندیشی علمی بوده و هنوز که هنوز است، ما افتخار می‌کنیم و نظیرش را نداریم در حوزه‌های درسی غیر حوزه علمیه، که شاگرد پای درس به استاد اشکال کند، پرخاش کند و استاد از او استشمام دشمنی و غرض و مرض نکند. طلبه آزادانه اشکال می‌کند، هیچ ملاحظه استاد را هم نمی‌کند. استاد هم مطلقاً از این رنج نمی‌برد و ناراحت نمی‌شود؛ این خیلی چیز مهمی است. خوب، این مال حوزه ماست. در حوزه‌های علمیه ما، بزرگانی وجود داشته‌اند که هم در فقه سلیقه‌ها و مناهج گوناگونی را می‌پیمودند، هم در برخی از مسائل اصولی‌تر؛ فیلسوف بود، عارف بود، فقیه بود، این‌ها در کنار هم زندگی می‌کردند، با هم کار می‌کردند؛ سابقه حوزه‌های ما این‌جوری است. یکی، یک مبنای علمی داشت، دیگری آن را قبول نداشت. اگر شرح حال بزرگان و علما را نگاه کنید، از این قبیل مشاهده می‌کنید.

یک نفری نظر فقهی می‌دهد، نظر شاذی است. خیلی خوب، قبول ندارید، کرسی نظریه‌پردازی تشکیل بشود و مباحثه بشود؛ پنج نفر، ده نفر فاضل بیایند این نظر فقهی را رد کنند با استدلال؛ اشکال ندارد. نظر فلسفی‌ای داده می‌شود همین‌جور، نظر معارفی و کلامی‌ای داده می‌شود همین‌جور. مسئله تکفیر و رمی و این حرف‌ها را بایستی از حوزه ورا نداشت؛ آن هم در داخل حوزه نسبت به علمای -

برجسته و بزرگ؛ یک گوشه‌ای از حرف‌شان با نظر بنده حقیر مخالف است، بنده دهن باز کنم رد می‌کنم؛ نمی‌شود این‌جوری، این را باید از خودِ داخل طلبه‌ها شروع کنید. این یک چیزی است که جز از طریق خودِ طلبه‌ها و تشکیل کرسی‌های مباحثه و مناظره و همان نهضت آزادفکری و آزاداندیشی که عرض کردیم، ممکن نیست. این را عرف کنید در حوزه علمیه؛ در مجلات، در نوشته‌ها گفته شود. یک حرف فقهی یک نفر می‌زند، یک نفر رساله‌ای بنویسد در رد او؛ کسی او را قبول ندارد، رساله‌ای در رد او بنویسید. بنویسند، اشکال ندارد؛ با هم بحث علمی بکنند. بحث علمی به‌نظر من خوب است."

پی‌نوشتها :

- ۱- شارل منتسکیو، روح القوانين، مترجم: علی اکبر مهتدی ، تهران، ۱۳۳۴، ص ۲۹۲
- ۲- آنتونی آربلاستر، لیبرالیسم غرب، ظهور و سقوط، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز، چاپ سوم، ۱۳۷۷ ص ۸۳
- ۳- همان، ص ۸۴.
- ۴- همان
- ۵- حسن انوری، فرهنگ فارسی سخن، تهران: سخن، ۱۳۸۱
- ۶- فرهنگ واژه‌ها، زیر نظر: عبدالرسول بیات، قم: بنیاد فرهنگ و اندیشه دینی، ۱۳۸۱
- ۷- آیه ۴۲ سوره انفال
- ۸- آیات ۹۸ و ۹۹ سوره نساء
- ۹- آیه ۶۴ سوره زخرف
- ۱۰- آیه ۶۴ سوره نمل
- ۱۱- سوره زمر، آیه ۱۷
- ۱۲- سوره یوسف، آیه ۲
- ۱۳- سوره محمد، آیه ۲۴
- ۱۴- سوره اسراء، آیه ۷۰
- ۱۵- سوره اعراف، آیه ۱۵۷
- ۱۶- نهج البلاغه نامه ۳۱
- ۱۷- اصول کافی ج ۲ ص ۸۹
- ۱۸- امام خمینی، کلمات قصار، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ص ۱۱۱

- ۳۱- همان، ص ۹۴
- ۳۲- مرتضی مطهری، انسان و سرنوشت، انتشارات صدرا، ص ۷۲
- ۳۳- پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۴۹
- ۳۴- همان، ص ۱۶
- ۳۵- پیرامون جمهوری اسلامی، ص ۱۲
- ۳۶- همان، ص ۱۰۸ - ۱۱۶
- ۳۷- پیرامون جمهوری اسلامی، ص ۱۱۹
- ۳۸- افضل السادات حسینی، ماهیت خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن، به نشر، چاپ دوم، ۱۳۸۱، ص ۱۵-۱۳
- ۳۹- همان، صص ۹۸-۱۰۱
- ۴۰- همان
- ۴۱- موسسه فرهنگی دانش واندیشه معاصر، مجله «کتاب نقد» شماره ۲۷ و ۲۶، ص ۱۵.
- ۴۲- نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها (ستاد اقامه نماز)، مجله مسجد دانشگاه، شماره ۱۲، ص ۲۸. ۴۳- غرر الحکم، ح ۷۱

- ۱۹- آزادی در اندیشه امام خمینی (تبیان دفتر بیست و هفتم)، موسسه تنظیم و نشر آثار امام ص ۸۴ ۲۰- امام خمینی، کلمات قصار، ص ۱۱۲
- ۲۱- صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۱۸۰
- ۲۲- احزاب و گروه‌های سیاسی از دیدگاه امام خمینی (تبیان دفتر سی و دوم)، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ص ۹۰ و ۹۱
- ۲۳- همان، ص ۹۴
- ۲۴- مرتضی مطهری، فلسفه تاریخ، ص ۲۵۹ - ۲۶۱
- ۲۵- مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۶۴
- ۲۶- مرتضی مطهری، پیرامون جمهوری اسلامی، ص ۹۱ - ۹۴
- ۲۷- مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، انتشارات صدرا، ۱۳۷۲، ص ۷.
- ۲۸- همان، ص ۹۴، ۹۵
- ۲۹- مرتضی مطهری، آزادی معنوی، انتشارات صدرا، ص ۲۸
- ۳۰- پیرامون جمهوری اسلامی، ص ۹۲

منابع:

- ۱- سیده عاطفه موسوی اصل، تحلیلی بر مطالبات رهبرانقلاب درباره کرسی‌های آزاداندیشی، هفته نامه پنجره ش ۵۷.
- ۲- آزاد اندیشی محور تحقق جنبش نرم افزاری، دانایی: سایت تخصصی جنبش نرم افزاری.



مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

اگر ما بیدار باشیم، غفلت و یا اشتباهی نکنیم، دشمن نمی تواند کاری بکند. امروز روز بیداری ذهنهاست.

امروز کشور و ملت احتیاج دارد به این که مردم، تیزبین، هوشیار، بیدار و دشمن شناس باشند؛ بفهمند دشمن چه می کند.



سازمان بسیج مستضعفین
معاونت تربیت و آموزش

